

اقتصاد ایران و توسعه اقتصادی از دید دکتر حسین عظیمی

مجموعه مقالات در مورد دکتر حسین عظیمی بهر این توسعه و اقتصاد ایران از زبان خودش و دیگران توسط دکتر محمد ایرانشهر جمع آوری شده است. از این پس در هر شماره از نشریه بخشی از این آرا و نظرات خواهد آمد.

چکیده‌ای از نظرات عظیمی درباره توسعه

در نظریه توسعه عظیمی، انسان، در کانون توجه است. او پس از آن که توسعه اقتصادی را فرایندی تاریخی تعریف می‌کند که طی آن مبانی علمی و فنی جامعه از سنتی به مدرن متحول می‌شود، معتقد است که در شروع فرایند توسعه، به انسان‌هایی نیاز است که ذهن و نگرش آنان متحول شده باشد. او تغییر باورهای فرهنگی راریشه درخت توسعه می‌داند؛ درختی که خوراک آن، آموزش‌های تخصصی و سرمایه لازم برای فعالیت‌های توسعه‌ای است. تنه، شاخ و برگ توسعه را نظام مناسب اقتصادی و حفظ ثبات نظام تشکیل می‌دهد. در صورت تحقق همه اینها، میوه درخت توسعه، یعنی رفیع فقر و محرومیت، استقلال و خوداتکایی و تأمین اقتصادی و اجتماعی برای مردم، حاصل خواهد شد. (عظیمی، ۱۳۷۱: ۱۷۹-۱۷۶)

از نظر عظیمی، برای تحقق توسعه، دو راهبرد قابل تصور است: یکی با محوریت تحول فرهنگی یا حکومت اندیشه و کلام و دیگری با محوریت تحول فیزیکی یا حکومت سرمایه (عظیمی، ۱۳۷۶: ۵۵). عظیمی مشکل اساسی اقتصاد ایران را پیش، تفکر و اندیشه می‌داند و معتقد است که در تدوین برنامه‌های توسعه نیز باید بر این مفاهیم تکیه کرد. او باورهای مناسب فرهنگی عمده و لازم برای فرایند توسعه را در موارد زیر خلاصه می‌کند:

فرهنگی جامعه

برابری انسان‌ها

ملزوم احترام به حقوق دیگران

ملزوم نظم‌پذیری جمعی

آزادی سیاسی



محورهای اساسی توسعه از نظر دکتر عظیمی



ضرورت توجه معقول به دنیا و مسائل مادی و دوری از ریاضت و زهد نامعقول. (عظیمی، ۱۳۷۱: ۱۸۳)

به اعتقاد وی، گرچه فرهنگ کنونی جامعه ما، به سبب دوری از نگرش علمی و برابری انسان‌ها، مناسب توسعه اقتصادی نیست، ولی تغییر آن باید بر اساس هویت فرهنگی جامعه شکل گیرد. در فرهنگ حاکم کنونی، هم اعتقاد به قضا و قدر وجود دارد و هم عناصری از نگرش علمی، اعتقاد به ریاضت و توجه به تلاش برای تأمین زندگی بهتر. هنر برنامه‌ریز

توسعه و هدایت‌کننده جامعه این است که در فرهنگ جامعه جست‌وجو کند و عناصر مناسب را بیابد، تعریف و تقویت نماید و عناصر نامناسب را به تدریج ضعیف کند. به باور او کشورهای دیگر هم به همین طریق توسعه پیدا کرده‌اند. (عظیمی، ۱۳۷۱: ۸-۱۸۷)

عظیمی با محور قرار دادن فرهنگ در فرایند توسعه، توجه اصلی را بر آموزش‌های اولیه دبستان و دبیرستان، زمانی که ذهن کودک و نوجوان فطرتاً علمی می‌اندیشد، قرار می‌دهد. او نظریه توسعه اقتصادی خود را این‌گونه خلاصه می‌کند:

- تدوین و به کارگیری مجموعه‌ای از راهبردهای مناسب در زمینه‌های فرهنگ آموزش‌های تخصصی، انباشت سرمایه، نظام اقتصادی مناسب و حفظ ثبات نظام.

- توجه به سه راهبرد اصلی در تحویل مناسب فرهنگی یعنی تخصیص منابع کافی به امور پرورشی بویژه در مدارس ابتدایی و راهنمایی، تأمین نیازهای اساسی زندگی و الگوسازی فرهنگی مناسب.

- ملزوم پذیرش مسئولیت آماده‌سازی زمینه‌های این تحول فرهنگی از سوی همه مردم بویژه کسانی که در موقعیت‌های مادی، فرهنگ و سیاسی بالاتری قرار دارند.

آه گامی، آغاز فرزانگی است: شخصیت اجتماعی دکتر حسین عظیمی، الگویی موفق در آگاه‌سازی جامعه، مقاله ارائه شده توسط محمد ایرانشهر در مراسم بزرگداشت دکتر حسین عظیمی، دانشگاه علامه طباطبائی، خرداد ۱۳۸۴.

منابع:

- مدارهای توسعه‌یافتگی در اقتصاد ایران، دکتر حسین عظیمی، نشرنی، ۱۳۷۱.
- ایران و توسعه، دکتر حسین عظیمی، نشر اتاق بازرگانی و صنایع و معادن اصفهان، ۱۳۷۶.